

هر جامه اگر سرخ ... که احرام من است

مجموعه شعر

در رثای «میشم ولایت، روحانی خط مقدم جبهه‌ها»

شهید حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله میثمی

جانشین نماینده امام در رتبه‌های رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

و قرائت‌گزار خاتمه الانبیاء (ع)

با آثاری از:

مرحوم محمود شاهرخی - شیرینعلی گلمرادی - مصطفی محدثی

حسین اسرافیلی - رضا اسماعیلی

پداختنام

محمد تقی‌بسم قزوینی چهارمی



معاونت روابط عمومی و انتشارات

سرشناسه: فروغی جهرمی، محمد قاسم، گردآورنده: ۱۳۳۳.

عنوان و نام پدیدآور: هر جامه اگر سرخ - که احرام من است

مجموعه‌ی شعر در رثای میثم ولایت، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله میثمی - /
به اهتمام محمد قاسم فروغی جهرمی.

مشخصات نشر: تهران: سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه،
معاونت روابط عمومی و انتشارات، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۵۶-۸-۲ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: میثمی، عبدالله، ۱۳۳۴ - ۱۳۶۵ - شعر

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - تهیجان - شعر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها

نسخه‌ی نفوذ سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه معاونت روابط عمومی و انتشارات
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ آف ۱۳۹۱ / ش ۴۱۹۱ PIR

رده بندی دیویی: ۸۵۱ / ۶۲۰۸۵۵۲

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۵۸۳۱۳۶

به مناسبت برگزاری کنگره‌ی «میثم ولایت»، روحانی خط مقدم جبهه‌ها،

شهید حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله میثمی

هر جامه اگر سرخ - که احرام من است

مجموعه‌ی شعر در رثای «میثم ولایت»

شهید حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله میثمی

جانشین نماینده‌ی امام در یگان‌های رزمی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی

و در آرزوگاه خاتم‌الانبیاء (ع)

با آثاری از مرحوم محمود شاهرخی - شیرینعلی گلمرادی - مصطفی محمدنی

حسین اسرافیلی - رضا اسماعیلی

به اهتمام

محمد قاسم فروغی جهرمی

ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات سیاه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۵۶-۸-۲

تهران: خ‌کریم خان - خ نجات‌الهی - خ لیاف - شماره‌ی ۱۵ تلفن: ۸۸۸۹۶۸۷۶



۷	مقدمه / محمد قاسم فروغی جهرمی
	تجلی عشق
۱۱	زنده یاد مرحوم محمود شاهرخی
	نام او بود که خورشید ...
۴۹	شیرینعلی گلمرادی
	زهد سلمان و شور ابوذر
۶۷	مصطفی محدثی خراسانی
	در آرزوی رسیدن، در آرزوی وصال
۸۲	حسین اسرافیلی
	روح شب‌نمی ...
۹۵	رضا اسماعیلی
۱۱۳	آشنایی با شاعران این مجموعه

معرفت ما

انسان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا شود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند
معشوق چون نقاب ز رخ برمی‌کشد هر کس حکایتی به تصور چرا کند
چون حسن عاقبت نه یغمدی و زاهدی است آن به کار خود به عنایت رها کند
بی معرفت مباحث که در حق یزید عشق اهل نظر معامله با آشنا کنند
بگذر به کوی میکده تازمده‌ی حضور اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند

بی هیچ تردیدی، «شهادت» گواهی دادن به حقایق حق مطلق در نهاده کلمه الله است که برای نگارش آن، به عنوان یک تعهدنامه، می‌باید از قلم استخوان‌ها در بازوان، و جوهر خون در رگ‌ها و شریان‌ها مدد گرفت و باور متبانه، آن را مکتوب کرد؛ که جز این، دعوی پاکبازی را در این عرصه اعتباری نیست.

تبلور یافتگی این معنا در تاریخ اسلام از خون مقدس یاران حضرت رسول (ص) از قبیل حضرت حمزه - «سید الشهداء» - و در ادامه با خون پیشانی مبارک حضرت علی بن ابی طالب (ع) در محراب مسجد کوفه، و در نهایت با لبیک حضرت حسین بن علی (ع) - سردار سپاه عشق - و اصحاب شهادت باورش، نمود عینی می‌یابد و واقعیت پیدامی‌کند و تا این سوی تاریخ چون اقیانوسی تپنده و نامیرا جریان می‌یابد.

تورق هشت فصل سبز و سرخ عشق، تورق خاطرات بزرگ مردانی است که در تداوم جاری این اقیانوس، از تنگ پیچ‌ها و میدان‌های آتش و عطش گذشتند و در مصب مرگ و زندگی، با انتخاب مرگی جریان‌ساز تا مدار دورترین ستاره‌های ناشناس، پرواز کردند؛ از مسیری که چراغ خون‌شان، تنها دلیل راه در معبرهای پُر خاش و خوانش بود.

آن‌ها، مرگ را می‌شناختند و پیش‌ترها چه زیبار یافته بودند که زیباریستن و بشکوه مُردن را چگونه رصد کنند و در ارتفاعات، چه بلند و باشکوه به مقصد می‌رسند و دست در گردن شهادت آویزند، تا اهتزاز خود را در بلندی‌های تاریخ، برافرازند.

آن‌ها که سبک‌گلان و خفاکی‌ها و سیم‌های خاردار را پشت سر نهادند، سیرت دیگر گونه‌ای داشتند و از جنس دیگری بودند و با آوازه‌های گل محمدی و آلاله‌ها و سرودها، بادشت‌ها و نخل‌ها، نسبت داشتند و با آوازه‌های معطر گل سرخ، آشنا بودند و در مکاشفات خود، به جایی رسیده بودند که می‌توانستند محرم حریم عصمت گل‌ها شوند و با زبان شقایق و عطر گل سوری ترنم نمایند.

ساده‌پوشانی بی‌رنگ و مردانی بی‌ادعا که با پشت کردن به رنگ‌ها و تعلقات این جهانی، به افلاک می‌اندیشیدند و به آبی آسمان و پرندوها و عقاب‌های جوان نظر داشتند.

راست قامت بودند که کژتابی را بر نمی‌تافتند، و کوردلان جهانی را توان دیدن آنها نبود، آنان در چشم‌های بینا جای داشتند، چشم‌های بصیر که مجلا و قداست آنان را در باعدادهای روشن و در سجاده‌های گشوده تماشا می‌کردند و در قفایشان از دست‌ها، پلی می‌ساختند برای رسیدن به شعور بلندشان در آن سوی هرچه ناپیدا که در هاله‌ای از نور پنهان بود.

تورق هشت فصل سرخ، تورق اشک‌ها و لبخندهای فراموش نشده و غزل‌های به دفتر آمده و به دفتر نیامده‌ی بسیار در گلوی شاعرانی است که در هنوزهای همیشه بی آن که رنگ کهنگی و فراموشی بگیرد - بازسرای می‌شود و با عطر نام شهیدان این سرزمین که کوچه‌ها و خیابان را آبرو بخشیده‌اند، در می‌آمیزند تا عاشقانه‌هایی از این دست، بر لوح خود آن همه بسیاران، سلامی باشد از ذوق و قلم‌هایی زرین که هشت فصل عشق را در کتاب حماسه‌ی این قبیله، نقش‌بندی کرده‌اند.

و بدین سال است که دفتر شعر:

«هر جامه اگر سرخ... که احرام من است»

- به عنوان یادنامه شعری روحانی شهید، عزیز وارسته - حجت الاسلام شیخ عبدالله میثمی - با تلاش ارزشمند معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه - بویژه برادر گرامی، سردار رمضان شریف - و به یمن برگزاری کنگره‌ی «میثم ولایت، روحانی خط مقدم جبهه‌ها» - بزرگداشت شهید عبدالله میثمی - شکل می‌گیرد و در هیأت کتاب به عزیزان مشتاق تقدیم می‌گردد.

باشد که گل‌های خورشید در باورهای همه‌ی منتظران موعود به بار بنشیند و میوه‌ی شیرین وصل و دلدادگی را نمایان سازد. ان شاء الله.

ای دوست به‌روی دوست بگشای دری صاحب نظر! به مستمندان نظری
ما بی خبراتیم ز منزلت‌گه عشق ای باخبر! از بی خبر اور خمیری

محمد قاسم فروغی جهرمی